

مدرنیزاسیون و تغییر نگرش: مقایسه و تحلیل نگرش زنان شهری و روستایی به انواع مشاغل (مورد مطالعه: استان اصفهان)

کامران ربیعی^{۱*}
بهجت یزدخواستی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۴

چکیده

در میان نظریه‌های توسعه، شاید نظریه‌ی مدرنیزاسیون را بتوان جامعه‌شناختی‌ترین آن‌ها دانست. پرسش اساسی پژوهش حاضر آن است که موافق نظریه متعارف مدرنیزاسیون، زیستن در شهر که در مقایسه با روستا که از سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردار است باعث گرایش بیشتر زنان به کار و اشتغال شده یا خیر؟ در واقع، شناخت تفاوت زنان شهری و روستایی استان اصفهان در گرایش به اشتغال و فعالیت در انواع مختلف مشاغل هدف پژوهش حاضر بوده است. روش اصلی انجام تحقیق پیمایش بوده است. کل حجم نمونه ۱۸۱۵ نفر بود که از این تعداد ۱۰۱۷ نفر شهری و ۷۹۸ نفر روستایی بوده‌اند. در پژوهش حاضر گرایش زنان به ۲۹ شغل در سه دسته‌ی «مشاغل سنتی»، «مشاغل سنتی در قالبی نوین» و «مشاغل نوین» مورد مطالعه قرار گرفته است. براساس یافته‌ها ملاحظه می‌شود که اگرچه زنان روستایی در کل نسبت به زنان شهری تمایل بیشتری به شاغل شدن در انواع مشاغل دارند، ولی هر چه از مشاغل سنتی به سمت مشاغل نوین حرکت کنیم از معناداری این تفاوت کاسته می‌شود به نحوی که در اغلب مشاغل نوین تفاوت معناداری بین زنان روستایی و شهری دیده نمی‌شود. نتیجه اصلی پژوهش حاضر آن است که در شرایط فعلی ایران، مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی - اجتماعی بیش از آنکه بر سطح تمایل زنان به شاغل شدن اثرگذار باشد بر نوع گرایش آنان به انواع مشاغل اثرگذار است. شهری شدن موجب می‌شود که زنان تمایل کمتری به شاغل شدن در مشاغل سنتی داشته باشند و از مشاغلی که همراه با نقش‌های سنتی زنانه است دوری کنند.

کلید واژه‌ها: مدرنیزاسیون، تغییر نگرش، اشتغال زنان، دوگانه شهر-روستا، مشاغل سنتی، مشاغل مدرن.

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

طی دو سده‌ی اخیر، جامعه‌ی ایرانی و سایر جوامع بشری روندهایی مانند صنعتی شدن، شهری شدن، گسترش ارتباطات و ظهور وسایل ارتباط جمعی نوین، گسترش سوادآموزی و غیره را تجربه کرده‌اند که نه تنها جنبه‌ی مادی زندگی را به کلی تغییر داده بلکه باورها، ارزش‌ها، شیوه زندگی و در کل فرهنگ جوامع را دگرگون ساخته است. مجموعه‌ی این روندهای مادی، ذیل مدرنیزاسیون صورت‌بندی می‌شود. یکی از اثرات مدرنیزاسیون تأثیر آن بر نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان است؛ مدرنیزاسیون به واسطه‌ی روندهایی مانند شهرنشینی و صنعتی شدن و از خلال دامن زدن به توسعه‌ی نظام سرمایه‌داری تغییراتی در ساخت خانواده جدید پدید می‌آورد (Zaretsky, 1986). در حال حاضر خانواده شهری هسته‌ای شده، دیگر مکان تولید نبوده و تنها به محل مصرف و دریافت حمایت عاطفی بدل شده است (کومار، ۱۳۸۱: ۲۳۸-۲۳۶). یکی از تغییرات پدید آمده در نقش‌های اجتماعی زنان که پس از شرایط جنگ جهانی دوم چشمگیر بود افزایش اشتغال زنان است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۶۴-۵۶۲) همین شاغل شدن زنان موجب در هم ریختن نظم سنتی خانواده گسترده شده و تنش‌ها و فشارهای روانی و اجتماعی‌ای را برای زن و شوهران این خانواده‌ها به همراه آورده است (رستگار خالد، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

روستاها نیز از تغییرات رخ داده در شهرها برکنار نبوده‌اند و همواره اشتغال زنان روستایی و حد مطلوب آن مورد مناقشه بوده است. در روستاها فعالیت زنان بیشتر تحت تأثیر متغیرهایی مانند موقعیت اقتصادی خانوار، پایگاه اجتماعی زنان روستایی، سطح آگاهی‌های زنان و مردان و نگرش آن‌ها راجع به اشتغال زنان و درجه قدرت زنان در خانواده است (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۵). به نظر می‌رسد که زنان روستایی اگرچه هنوز با موانع فرهنگی فراوانی برای شاغل شدن مواجه‌اند و فرصت‌های شغلی اندکی که در روستاها وجود دارد به آنان اجازه فعالیت و رقابت با مردان را نمی‌دهد، اما دست‌کم به لحاظ ذهنی و تحت تأثیر رسانه‌ها به مرور به سمت نزدیک‌تر و شبیه‌تر شدن به زنان شهری در حرکت می‌باشند (رضوی‌زاده، ۱۳۸۴). در روستاهایی که شرایط اقتصادی بهبود یافته و در آن‌ها دسترسی ساده و مستقیم به شهرها امکان‌پذیر است، مشاهده می‌شود که زنان و خانواده‌های روستایی تمایل به آن دارند که الگوهای مصرف خود را شبیه خانوارهای شهری کنند (قیداری و همکاران، ۱۳۹۴).

از آنجایی که مدرنیته اساساً یک پدیده‌ای شهری است (Wirth, 1938) و عواملی مانند حاکمیت خرد و عقل و نیل به برابری و آزادی از جمله مؤلفه‌ها و آرمان‌های آن است لذا این میل به برابری و آزادی را می‌توان در همه‌ی سطوح و جنبه‌های حیات شهری جستجو و پیگیری کرد (زیمل، ۱۳۷۲: ۶۱-۶۰). دست‌کم در مدرنیته‌ی متأخر ملاحظه می‌شود که متغیرهای جنسیتی به‌شدت زیر سؤال رفته و زنان خواهان شرایط حقوقی برابری با مردان بوده و از طریق کار و انجام فعالیت اقتصادی خواهان به رسمیت شناخته شدن استقلال و هویت فردی خود هستند. در این‌بین مشاهده می‌شود که روستاها به خاطر نوع ساختار اقتصادی آن کمتر دستخوش تغییرات شهری شده‌اند. البته شایان ذکر است که در بحث شهر - روستا مهم است که کدام کشور و چه شهر و روستاهایی مدنظر است چراکه شهرنشینی و روستانشینی کشورهای توسعه‌یافته با آنچه در کشورهای فقیر و در حال توسعه رخ می‌دهد بسیار متفاوت است. حتی گاهی نمی‌توان شهرهای کشور واحدی مانند ایران را نیز با هم مقایسه کرد.

در واقع همواره نگاهی تحول‌گرایانه به شهر وجود داشته و در مقایسه با روستا، شهرها کانون تغییر و آزادی (حتی برای زنان) در نظر گرفته شده‌اند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۴۹) و زنان شهری پیشرو در تمام زمینه‌ها از جمله علاقه‌مند به کار و اشتغال دانسته‌اند. البته شواهد تجربی در همه کشورها لزوماً وجود چنین شکافی در همه عرصه‌ها را تأیید نمی‌کند چراکه شرایط اجتماعی ممکن است این معادله را برهم زند. به‌عنوان نمونه در برخی کشورهای اسلامی در محیط‌های روستایی که شکلی از روابط خانوادگی و فامیلی بر روابط اجتماعی حاکم است و شرایط اقتصادی دشوار و نیروی کار مردانه برای انجام تمام امور ناکافی بوده، فرصتی برای زنان وجود داشت تا بیش از زنان شهری در محیط بیرون از خانه کار کنند (Durrani, 1979: 58). در مقابل این شرایط حاکم بر روستا، در شهرها اشتغال زن تهدیدی برای کیان خانواده و حتی دین به شمار می‌رفت چراکه در این جوامع همسر و مادر بودن نقش‌های اصلی و تنها نقش زنان دانسته می‌شد و اشتغال بیرون خانه مقابل این درک از نقش‌های زنانه قرار می‌گرفت. علاوه بر این تفسیر سنتی که از اسلام ارائه می‌شد مبتنی بر این بود که زن نباید در جایی کار کند که مردان نیز حضور دارند و چنین تفسیرهایی در بسیاری موارد مانع کار زنان می‌شد (همان). از همین رو، به نظر می‌رسد قضاوت در خصوص وضعیت زنان برای هر کشوری و حتی بخشی از یک کشور نیازمند

انجام مطالعات موردی و گردآوری شواهد تجربی است چراکه وجود شرایط خاص و اثرگذاری یک سری متغیرهای محلی ممکن است حکم کلی یک نظریه جالفتاده را در خصوص یک پدیده اجتماعی مانند اشتغال زنان و گرایش زنان به انواع مشاغل مورد تردید قرار دهد.

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با تأثیر روندهای مدرنیزاسیون بر تغییر نگرش زنان به‌ویژه در حوزه اشتغال تحقیقات کمتری را می‌توان یافت تا سنجش نگرش کلی زنان در خصوص اشتغال و یا مطالعه تأثیر متغیرهایی مانند فرهنگ مردسالار جامعه و سیاست‌های رسمی دولت و قوانین موجود بر اشتغال زنان؛ بخشی از مطالعات انجام شده روی تغییر نگرش زنان به اشتغال و تمایل آنان به شاغل شدن را پژوهش‌هایی می‌توان یافت که گذار از زندگی شهری به روستایی در قالب اشتغال مهاجران جدید در شهر و نیز در تحول شیوه‌ی زندگی روستایی و مدرنیزه شدن روستا می‌توان یافت. به‌عنوان نمونه در خصوص اشتغال زنان در چین و تحول نگرش‌های زنان به اشتغال در آن کشور دو نوع گذار را می‌توان ردگیری کرد. در خصوص محل کار، گذار از خانه به کارخانه و در نیروی کار، روند گذار از نیروی کار کشاورزی به صنعتی قابل پیگیری است. در آغاز دهه ۱۹۵۰ حدود ۹۳ درصد نیروی کار درگیر کار کشاورزی بودند. با توجه به سیاست‌های آن دوره بر اهمیت برابری جنسیتی در حوزه کار تأکید می‌شد. در این دوره تلاش می‌شود تا آثار نظام پیشین زدوده شود و باورها و نگرش‌های فئودالی راجع به زنان تغییر یابد. از این‌رو داستان‌هایی که در خصوص زنانی ساخته و پرداخته شد که موانع شغلی را به کنار می‌زنند و دوشادوش مردان و حتی موفق‌تر از آنان عمل می‌کنند. همین امر توانست بر روی نگرش‌های موجود در جامعه در خصوص اشتغال و موقعیت زنان تأثیر بگذارد. همین امر توانست بر روی نگرش‌های موجود در جامعه در خصوص اشتغال و موقعیت زنان تأثیر بگذارد و زنان نیز نگرش‌های نوین را درونی کرده و وارد محیط‌های جدید کار و فعالیت شدند (Entwisle, 1995: 38).

در آمریکا نیز طی دهه‌های اخیر شاهد افزایش سهم مشارکت زنان در اشتغال بوده‌ایم. این امر حتی برای زنان صاحب فرزند نیز وجود داشته است که خود نشان‌دهنده تغییر باورها و نگرش‌ها راجع به نقش مناسب زنان در جامعه است. این امر حتی زنان را به تغییر در اسلوب و شیوه

بچه‌داری و نحوه انجام کارهای خانه که به‌طور سنتی انجام می‌شده و برای آنان تعریف شده واداشته است (Krause & Markides, 1985: 15).

همان‌طور که گفته شد در رابطه با زنان تاکنون تحقیقات متعددی جهت بررسی نگرش آنان نسبت به اشتغال زنان به انجام رسیده است. هر یک از این تحقیقات جنبه‌ای از اشتغال زنان را مورد توجه قرار داده و تأثیر عوامل مختلف بر شاغل شدن زنان را مورد مطالعه قرار داده است. تأثیر اشتغال بر جنبه‌های مختلف حیات خانوادگی و اجتماعی افراد نیز مورد توجه برخی پژوهشگران بوده است.

نوع نگرش زنان به شاغل شدن زن و نیز به انواع مشاغل می‌تواند به‌عنوان یک متغیر مستقل قوی آینده شغلی زنان و احتمال شاغل شدنشان در بخش‌های مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. به‌عنوان نمونه زنانی که وظیفه اصلی زن را خانه‌داری می‌دانند، تحت تأثیر همین نگرش خود کمتر متمایل به کار کردن بیرون خانه خواهند بود و نمی‌توانند از فرصت‌های پیش‌آمده بهترین استفاده را بنمایند (Blau, 1997).

متغیرهای فراوانی می‌تواند نگرش افراد نسبت به حرفه‌های مختلف و انتظارات شغلی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. سن، تأهل، جنس، قومیت و نژاد و یا حتی پایگاه شغلی همگی می‌توانند بر شکل‌دهی به نگرش‌ها و انتظارات شغلی افراد تأثیرگذار باشند (Palmer, 1957: 17). پالمر در مطالعه خود در پنسیلوانیا ملاحظه کرد که اغلب کسانی که علاقه‌ای به شغل فعلی خود ندارند، از میان زنان، افراد متعلق به نژاد غیر سفید، کارگران جوان و مجرد، کارگران کم‌تجربه و صاحب درآمد پایین بوده‌اند. این در حالی بود که در میان وکلا و پزشکان که از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند و درآمد و کیفیت زندگی بالایی دارند، رضایت از حرفه خود در سطح بالایی قرار دارد (Ibid: 22).

دیوید واگنر و همکاران نیز عامل جنسیت را متغیری تأثیرگذار بر انتظارات و رفتار حرفه‌ای و شغلی افراد می‌دانند و بر اهمیت فرآیند جامعه‌پذیری در دوران کودکی در درونی کردن ارزش‌ها و باورهای کلیشه‌ای و جنسیتی تأکید می‌کنند. در واقع نابرابری‌های جنسیتی بازتاب‌دهنده‌ی نابرابری پایگاهی زنان و مردان جامعه است (Wagner et al., 1986: 47-48).

در ایران نیز تحقیقات تجربی متعددی در خصوص اشتغال زنان و نگرش آنان به مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی به انجام رسیده است. ساروخانی در پژوهشی که ۱۰۲۰ تن از زنان را شامل می‌شد، نشان داده است که اکثریت زنان (۶۸٫۸ درصد) موافق مطلق و یا مشروط اشتغال زنان بوده و تنها ۲۷ درصد زنان با اشتغال زنان مخالفت کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۰).

فضیله دادورخانی نیز در پژوهشی نشان داده که زنان روستایی، کشاورزی را دارای منزلت و ارزش پایینی می‌دانند و معتقدند که افراد فقیر به این مشاغل تن در می‌دهند، مشاغلی که منجر به استهلاک جسمی زنان می‌شود. دختران روستایی نیز به مانند آنان نگرشی منفی به کار کشاورزی داشته‌اند و به‌ویژه کار بر زمین دیگران را متعلق به افراد فقیر دانسته و حداکثر مایل بودند که در صورت لزوم روی زمین خانوادگی کار کنند (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸۴).

لهسایی‌زاده و همکاران نیز در پژوهش خود ملاحظه کردند که نسبت اشتغال زنانی که شوهران یا پدرانشان به کار کشاورزی مشغول‌اند بیش از زنانی است که همسرانشان در کنار کشاورزی به مشاغل دیگر نیز می‌پردازند و درآمد ثابت و نسبتاً مکفی اقتصادی دارند. این پژوهشگران عامل اصلی این تفاوت را نه در نگرش‌های نو و سنتی بلکه در میزان توان اقتصادی خانواده جستجو می‌کنند؛ یعنی هر چه مرد بتواند به‌تنهایی درآمد مکفی برای خانواده فراهم کند، شانس شاغل شدن زن روستایی کاهش می‌یابد (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

سادات نوفل ضمن تقسیم موانع اشتغال زنان به سه گروه موانع اجتماعی - فرهنگی، موانع اقتصادی و موانع فردی - شخصیتی، عنوان می‌دارد که نگرش منفی جامعه (خانواده و همسر)، میزان تحصیلات همسر و نسبت و شرایط رقبای مرد در مقابل زنان از مهم‌ترین موانع اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر اشتغال زنان است (نوفل، ۱۳۷۶: ۴).

تحقیقات موجود نشان می‌دهد که روندهای سال‌های گذشته حاکی از افزایش تدریجی زنان در بازار کار تحت تأثیر افزایش حضور اجتماعی آنان است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۸۱) و این تغییر خود را در تمایل فزاینده زنان به اشتغال و بهره‌مندی از شرایط برابر با مردان و برخورداری از درآمد شخصی نشان می‌دهد (ر.ک. جلالی‌پور، ۱۳۸۵؛ ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۸۵؛ کار، ۱۳۸۰؛ محمدی اصل، ۱۳۸۲: ۱۰۰؛ کدی، ۱۳۸۳: ۹۴)؛ لیکن ساخت پدرسالارانه جامعه و کلیشه‌ها و

باورها و ارزش‌های سنتی و نه‌چندان موافق با اشتغال زنان که از گذشته برجای مانده، موانع فرهنگی - اجتماعی را به مهم‌ترین موانع اشتغال زنان بدل می‌سازد که عوامل اقتصادی و مدیریتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (غلامی، ۱۳۸۰: ۶۸؛ بنی فاطمه، ۱۳۷۵: ۸۴؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۴۵؛ کار، ۱۳۸۰؛ مهدوی، ۱۳۸۱). شادی‌طلب در بررسی دیدگاه مرادن راجع به کار و اشتغال زنان ملاحظه کرد که مردان برای کار زنان ارزش چندانی قائل نیستند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۷۲).

با توجه به ویژگی‌های هر جامعه، عوامل فرهنگی از جمله آداب‌ورسوم و عرف موجود در آن می‌تواند بر نحوه توزیع زنان در حرفه‌ها و مشاغل مختلف نیز تأثیرگذار باشد (Cavalcanti, et al., 2005: 6; Afzal et al., 2009; Vendrik, 1997: 7). به‌عنوان مثال در جامعه‌ای که هنوز اولویت زندگی زنان بچه‌داری و خانه‌داری است، تحت تأثیر تغییرات اجتماعی پدید آمده، زنان حداکثر به سمت مشاغلی مانند معلمی و یا پرستاری متمایل می‌شوند که شباهت بیشتری با نقش‌های مادران‌شان داشته باشد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۱۷۴-۱۷۰) و یا به سمت مشاغلی هدایت می‌شوند که درجه مهارت کمتری نیازمندند و دستمزدهای پایین‌تری نیز به آن‌ها پرداخت می‌شود (Bergmann, 1971; Ahmad, 1998).

تفاوت عمده‌ی پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در آن است که در مطالعه‌ی حاضر خود شهرنشینی به‌عنوان یکی از روندهای اصلی مدرنیزاسیون به‌عنوان متغیر مستقل مدنظر است. لذا با توجه به نظریه‌ی مدرنیزاسیون هدف بررسی تأثیر زندگی شهری بر سطح و نوع گرایش زنان به شاغل شدن در مشاغل مختلف در مقایسه با زنان روستایی است.

۳. ادبیات نظری تحقیق

۳-۱. اشتغال زنان و دوگانه شهر-روستا در ادبیات مدرنیزاسیون

پیش از ظهور رسمی نظریه‌ی مدرنیزاسیون در قالب نظریه‌ای برای توسعه در دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم، رد پای آن را می‌توان در دوگانه انگاری موجود در متون کلاسیک جامعه‌شناسی پیگیری کرد. دوگانه‌های گمینشافت - گزلفاشت تونیس، انسجام مکانیکی - ارگانیکی دورکیم، روابط گروه‌های اولیه در مقابل ثانویه‌ی کولی، فولک در مقابل شهری ردفیلد،

کشاورزی در مقابل صنعتی پارسونز و سایر دوگانه‌هایی که می‌توان از دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک بیرون کشید حاکی از این نوع نگاه به دو گونه‌ی متمایز از جامعه و زندگی گروهی است (Goldenberg, 1997: 141-147).

با کمی تسامح می‌توان گفت که این دوگانه‌ها در خود توصیف دو گونه‌ی متفاوت حیات شهری و روستایی را به همراه دارند. حیات شهری به شیوه‌ای از زندگی اطلاق می‌شود که مبتنی بر تقسیم‌کار ارگانیکی بوده که افراد براساس پایگاه‌های اکتسابی خود به برقراری روابط رسمی و نه‌چندان صمیمانه آن هم عمدتاً در دل گروه‌های ثانویه مبادرت می‌کنند. حیات روستایی را نیز می‌توان تا حدی نقطه متقابل حیات شهری دانست و براساس این دوگانه‌ها ویژگی‌های آن را در تقابل با ویژگی‌های شهر تعریف کرد (تونیس، ۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۴۰). البته هم‌اکنون شهر را بر اساس غلبه‌ی شیوه‌ی تولید صنعتی و یا تجاری و خدماتی بودن آن تعریف می‌کنند و وجود بازار دائمی که محل مبادله‌ی گسترده‌ی کالا است را از دیگر وجوه آن می‌دانند و زندگی روستایی را شیوه‌ای از معیشت می‌دانند که عمدتاً مبتنی بر کشاورزی و دامپروری است (کومار، ۱۳۸۱: ۲۲۶). لازم به ذکر است که ظهور روستاهای توریستی و صنعتی تعریف روستا را در برخی متون علمی دچار تغییراتی نموده است (راهب، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

از دیرباز نوعی سوگیری ارزشی و تحلیلی نسبت به روستا وجود داشته بدین معنی که روستاییان نسبت به شهرنشینان همواره در مرتبه‌ی نازل‌تری از فرهنگ و درجه پیشرفت اجتماعی قلمداد شده‌اند. مارکس در مانیفست عنوان می‌دارد که صنعت و رشد روابط سرمایه‌داری در شهر «بخش بزرگی از جمعیت را از بلاهت زندگی روستایی» وا می‌راند (مارکس و انگلس، ۱۳۸۰: ۲۸۱). این نگاه نوعی نگاه قالبی به شهر و روستا بوده که شهر را کانون هیجان و تغییر و نوآوری و پیشرفت می‌بیند و در روستا تنها یکنواختی زندگی و تصلب ارزش‌ها و باورهای ساکنین آن را مشاهده می‌کند.

اگرچه طی دهه‌های اخیر تعدیل‌هایی در نظریه‌ی مدنیزاسیون صورت گرفته (ربیعی، ۱۳۹۴: ۶۴-۷۲) با این‌وجود همواره در مقایسه با شهر نگاهی کهنتری به روستا و فرهنگ روستایی داشته که این نوع نگرش در میان صاحب‌نظران متأخر نیز ریشه دوانده و همچنان تداوم دارد. حال معتقد است که شهر کانون تغییر و تحول بوده و تغییر تنها اصل ثابت آن است درحالی‌که سرعت

تغییرات در روستا بسیار کند بوده و زندگی در آنجا حالت ثابت و یکنواختی دارد (Hall, 1998: 1). لوئیس ویرث شمار بالای افراد ساکن در شهر و تغییرات پدید آمده در باورها، نگرش‌ها و شیوه‌ی زندگی ساکنین شهری را مهم‌ترین عامل تغییر می‌داند. در واقع همین شمار بالای ساکنین در شهر، خود تسهیل‌کننده‌ی تمایز یابی و تغییر نگرش‌های افراد است (Pile, 1999: 43). از نظر بنتلی امکان تمایزیابی موجود در شهر و وجود حوزه خصوصی و فضاهای شخصی شده در آن، اساسی‌ترین عاملی است که زندگی در شهرها را برای افراد جذاب می‌کند. در واقع در شهرها حق انتخاب به مراتب بیشتر از روستاها وجود دارد (Bentley, 1999: 114).

از همین روست که تانکیس شهر مدرن را عنصر بالقوه‌ی آزادی زنان در نظر می‌گیرد. در واقع شهر به زنان آزادی‌های اجتماعی و فضایی جدید، شفافیت سیاسی و لذت ناشناس ماندن اعطا می‌کند. زنان می‌توانند به صورت منفرد با قرار دادن خود در فضاهای مختلف شهری و نحوه‌ی جدید ظاهر شدنشان در شهر، نظم مسلط اجتماعی را ناپایدار کرده و فضاهای جدیدی برای حرکت پدید آورند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۴۹). وی تأکید می‌کند که زندگی شهری مستلزم «عاملیت زنان» است و زنان در شهرها از آزادی بیشتری برخوردار بوده و با نظم سخت، به مقابله برمی‌خیزند (همان: ۱۵۸-۱۵۶). بر اساس این نوع نگرش به زنان و فضای شهری می‌توان گفت که شهرها همان‌گونه که برای مردان فرصت‌های بیشتری برای اشتغال و تجربه‌ی شیوه‌های جدید زندگی فراهم می‌کند، برای زنان نیز این‌گونه است و امکان تحول و تغییر برای زنان شهری بیش از زنان روستایی فراهم است.

در گذشته روستاها کانون تولید و شهرها عمدتاً کانون مبادله و مصرف بوده و شهرها به روستاها وابسته بوده‌اند؛ اما در دوره مدرن و با صنعتی شدن شهرها، این روستاها بوده‌اند که به شهرها وابسته شده‌اند و هم‌اکنون نه تنها وسایل صنعتی و حتی کود کشاورزی خود را عمدتاً از تولیدات شهری تهیه می‌کنند بلکه به لحاظ فرهنگی نیز از خلال تلویزیون به شدت متأثر از ارزش‌های شهری می‌باشند (کومار، ۱۳۸۱: ۲۳۵). هم‌اکنون توسعه‌ی صنعت و بازارهای سرمایه‌داری به کلی فرآیندهای شهری را تحت تأثیر قرار داده (Hall, 1998; Bentley, 1999: 114; Harvey, 1985) و به همین نسبت روستاها نیز از تحولات شهرها متأثر شده‌اند. چراکه مهاجرت روستاییان به شهرها تحت تأثیر همین روابط سرمایه‌داری و تحولات صنعتی است.

همین تغییرات باعث شده تا به مرور درک و تصور مردان و زنان جامعه از نقش‌های اجتماعی و شغلی زنان تغییر یابد.

در ایران طی سده‌های گذشته شاهد سه شیوه زیست شهری، روستایی و عشایری (ایلی/شبانکاره/بیابانگرد) بوده‌ایم که هر یک ساختار شغلی خاص خود را داشته و زنان در ساختار شغلی جایگاه تعریف شده‌ای داشته‌اند (فوران، ۱۳۸۰: ۶۶-۵۲). برخلاف زنان شهری که هیچ شغل و فعالیت اقتصادی بیرون از خانهای برایشان تعریف نشده بود، زنان روستایی می‌توانستند در کنار سایر مردان روستایی به کار زراعت و باغداری و دامداری بپردازند. یکی از علل اصلی این تفاوت را می‌توان ناشی از ناامنی حاکم بر شهرها طی سده‌های اخیر و وجود نوعی آشنایی و محرمیت در میان روستاییان دانست. در عشایر که در آن تعداد افراد کمتر و رابطه خویشاوندی قوی‌تر و نزدیک‌تر می‌شد، ملاحظه می‌کنیم که زنان بیشتر درگیر فعالیت اقتصادی می‌شوند. البته شیوه زیست عشایری به شدت متکی به نیروی کار زنان است (ربیعی، ۱۳۸۵).

در واقع در شهرها به خاطر محروم شدن تدریجی زنان از حضور اجتماعی در عرصه‌های مختلف و مردانه شدن محیط کار و در پی آن شکل‌گیری هنجارها و ارزش‌های متناسب با لزوم اشتغال زنان به خانه‌داری و مردانه بودن فعالیت اقتصادی بیرون خانه، زنان به مرور از بازار کار حذف می‌شوند (همان). البته طی یک‌صد سال اخیر و با افزایش ارتباط ایران و غرب و تحت تأثیر گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن کلان‌شهرهای کشور، به مرور در نحوه و حجم حضور اجتماعی زنان تغییراتی پدید آمده و نگرش‌های مربوط به نحوه حضور زنان در جامعه و اشتغال زنان را تغییر داده است (کاستللو، ۱۳۸۳: ۱۳۰) به نحوی که هم‌اکنون زنان شهری بیش از زنان روستایی از فرصت‌های متنوع شغلی برخوردارند و محیط بیرون از خانه جدا از محیط کار می‌تواند برای آنان محیط تفریح و فراغت نیز باشد.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تغییر نگرش زنان به کار و حضور در محیط بیرون از خانه، ظهور وسایل ارتباط جمعی نوین مانند سینما و تلویزیون و نشان دادن زنان متفاوت با نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی سنتی و قدیمی در آن‌ها بوده است. نشان دادن زن در مشاغل مختلف که تحصیلات دانشگاهی داشته و از مهارت‌های مدرنی مانند رانندگی، نواختن موسیقی و کار با رایانه برخوردارند بر روی ذهنیت زنان و مردان جامعه اثرگذار بوده و هست (راوودراد، ۱۳۸۰)

هم‌اکنون با مشاهده‌ی سریال‌های تلویزیونی ملاحظه می‌شود که زنانی که در آن به تصویر کشیده می‌شوند اغلب زنان طبقه متوسط کلان‌شهری می‌باشند؛ یعنی زنانی که علاوه بر برخورداری از سطح بالایی از دانش و اطلاعات خواهان مشارکت برابر در حیات خانوادگی و حتی اجتماعی می‌باشند.

هم‌اکنون با توجه به اینکه زنان شهری در معرض آموزش و سطوح تحصیلی بالاتری قرار دارند و تفاوت‌ها و تنوع بیشتری را در سبک‌های زندگی پیرامون خود مشاهده و تجربه می‌کنند و در کل سطح بالاتری از توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی را نسبت به روستاییان تجربه می‌کنند، انتظار می‌رود که نسبت به شاغل شدن اشتیاق بیشتری از خود نشان دهند و دست‌کم نسبت به اشتغال در مشاغل جدید و نوپدید در مقایسه با روستاییان تمایل بیشتری داشته باشند. البته لازم به ذکر است که در رابطه با تحولات پدید آمده در شرایط زنان و تحول در نگرش آنان تحت فرآیند مدرنیزاسیون که قاعدتاً می‌بایست به خودآگاهی و ترقی آنان ختم شود نباید راه مبالغه پیمود و برای آن دست‌کم برای بازه‌ای کوتاه‌مدت و میان‌مدت فرآیند و مسیری خطی و یک‌طرفه در نظر گرفت. از همین رو در مطالعات جدید مدرنیزاسیون تلاش شده تا متغیرهای محلی، ویژگی‌های بومی هر جامعه و نیز دیالکتیکی بودن مسیر حرکت جامعه مورد توجه قرار گیرد (He, 2003).

یکی از نظریه‌های متأخر حوزه مدرنیزاسیون نظریه‌ی مدرنیته‌های چندگانه‌ی آیزنشتات است که تلاش می‌کند از ترسیم رابطه‌ای خطی میان روندهای مادی مدرنیزاسیون با تحولات فرهنگی پدید آمده مطابق با تجربه‌ی غربی پرهیز کند و تجارب منحصر به فرد هر جامعه‌ای را به رسمیت بشناسد (Eisenstadt, 2017 & 2001). از همین منظر تجربه‌ی حیات شهری در صورتی که همراه با محیطی امن و مشوق خروج زنان از خانه و ادامه تحصیل و حضور فعال در حوزه‌ی عمومی نباشد لزوماً به تغییر نگرش زنان و اشتیاق آنان برای شاغل شدن در انواع مشاغل منجر نخواهد شد.

در پژوهش حاضر تلاش شده بر اساس داده‌های تجربی مشخص شود که حیات شهری و تجربه سطوح بالاتری از مدرنیزاسیون اقتصادی - اجتماعی بر نوع نگرش زنان ایران و مشخصاً

استان اصفهان که میدان تحقیق را تشکیل می‌دهد چه تأثیری گذارده است. از همین رو با توجه به انواع مشاغل سه فرضیه برای پژوهش حاضر صورت‌بندی شد:

- «میان میزان گرایش زنان شهری و روستایی به مشاغل سنتی تفاوت معناداری وجود دارد».
- «میان میزان گرایش زنان شهری و روستایی به مشاغل سنتی در قالبی نوین تفاوت معناداری وجود دارد».
- «میان میزان گرایش زنان شهری و روستایی به مشاغل نوین تفاوت معناداری وجود دارد».

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایشی انجام شده و داده‌های موردنظر با ابزار پرسشنامه گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زنان شهری و روستایی ۱۵ ساله به بالای ساکن ۲۰ شهرستان استان اصفهان تشکیل می‌دهند. نمونه‌ها به روش چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. ابتدا با توجه به مطالعات مختلف (ر.ک. اسماعیلی، ۱۳۸۵) شهرستان‌های استان اصفهان براساس درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی، به سه گروه دارای توسعه بالا، توسعه متوسط و توسعه پایین تقسیم شدند. سپس از هر دسته به شیوه قضاوتی یک شهرستان برگزیده شد. هدف از این کار آن بود که شهرستان‌های انتخاب شده تا حدودی معرف کلی جامعه‌ی شهری استان اصفهان باشند. از سه شهرستان منتخب نیز دو روستا که آن‌ها نیز به لحاظ شرایط اقتصادی و توسعه‌یافتگی کمی با هم متفاوت باشند انتخاب شدند تا نمونه‌ی مطالعه شده تا حدودی معرف جامعه‌ی روستایی استان اصفهان باشد. در مرحله نهایی به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و مشخصاً براساس گروه‌های سنی و منطقه مسکونی، نمونه‌ها در شهرستان‌ها و روستاها انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند (جدول ۱).

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب شهرستان و روستای محل سکونت

روستا	شهرستان	درجه توسعه‌یافتگی
- سین (۱۳۴) - شاپور آباد (۱۳۶)	اصفهان (۴۶۸)	توسعه بالا
- اسفرجان (۱۳۴) - هونجان (۱۳۷)	شهرضا (۲۸۹)	توسعه متوسط
- قنات (۱۲۴) - کمه (۱۳۳)	سمیرم (۲۶۰)	توسعه پایین
۷۹۸	۱۰۱۷	مجموع

n=۱۸۱۵

در پژوهش حاضر، «محل سکونت» یعنی شهری یا روستایی بودن، متغیر مستقل تحقیق بوده و «نگرش زنان به مشاغل مختلف» متغیر وابسته تحقیق است.

در مطالعه حاضر جهت تعریف انواع مشاغل رویکردی تجربی - تحلیلی در پیش گرفته شد. بدین معنا که با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در اشتغال زنان در دو سده اخیر و جایگاهی که این مشاغل در ساختار اقتصادی کشور و تغییر نقش‌ها و موقعیت زنان در جامعه داشته‌اند در سه دسته مشاغل سنتی، مشاغل سنتی در قالبی نو و مشاغل نوین طبقه‌بندی شدند.

مشاغل سنتی زنان مشاغلی در نظر گرفته شده که پیش از نوسازی کشور و ورود مشاغل جدید و ارزش‌های جدید به داخل زنان به انجام آن‌ها مبادرت می‌ورزیدند. مشاغلی که در نظر عامه مردم مقبول و مناسب زن بود و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آن را تأیید می‌کرد. مشاغل سنتی زنان در شهرها که محیط بیرون از خانه کاملاً مردانه بود محصور به فعالیت‌هایی مانند قالی‌بافی و یا تهیه برخی انواع صنایع‌دستی و خیاطی و بافتنی می‌شد که در درون خانه و به دور از حضور مردان بیگانه انجام می‌شد و در روستاها کشاورزی در کنار سایر اعضای خانواده و قالی‌بافی و یا دامپروری و باغداری از جمله این مشاغل به شمار می‌رفت.

مشاغل سنتی در قالبی نو اشکال تغییر یافته مشاغل سنتی تعریف شدند که معمولاً در محیط بیرون خانه و با تقسیم‌کار جدید و با رسمیت بیشتری انجام می‌پذیرند. قالبی بافی در کارگاه‌های بیرون خانه، تشکیل یک آشپزی با چند زن دیگر و سفارش گرفتن از شهروندان و راه‌اندازی یک سالن آرایش با تابلوی رسمی همگی می‌توانند نمونه‌هایی از مشاغل سنتی در قالبی نو باشد.

مشاغل نوین مشاغلی در نظر گرفته شدند که طی سده اخیر در جامعه پدید آمده و برخی از آن‌ها مانند معلمی مدرسه کاملاً مشاغل جاافتاده‌ای به شمار می‌روند و یا برخی مانند رانندگی تاکسی سرویس بانوان و مدارس که به تدریج و دست‌کم در کلان‌شهرها در جامعه در حال نهادینه شدن هستند.

در پژوهش حاضر برای سه دسته شغل یاد شده ۲۹ شغل تعریف شد که ۱۰ مورد آن‌ها برای مشاغل سنتی، ۷ مورد برای مشاغل سنتی در فرم نوین و ۱۲ مورد برای مشاغل نوین بودند. میزان گرایش زنان به این مشاغل بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت از بسیار کم تا بسیار زیاد سنجیده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

از مقایسه‌ی تفاوت زنان شهری و روستایی در گرایش به انواع مشاغل، نتایج قابل‌توجهی به دست می‌آید. بر اساس نتایج تحقیق که مهم‌ترین نتایج حاصل از مقادیر به‌دست‌آمده در جدول شماره (۲) خلاصه شده و به شرح زیر است:

۱. تفاوت گرایش به ۲۴ نوع شغل ارائه شده به پاسخگویان در بین زنان روستایی و شهری به لحاظ آماری معنادار و در ۵ نوع از مشاغل غیرمعنادار است. در کلیه ۲۴ نوع شغلی که تفاوت معناداری بین زنان شهری و روستایی مشاهده شده است گرایش زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری برای اشتغال در آن‌ها بیشتر بوده است.

۲. مشاغلی که زنان روستایی و شهری در جامعه آماری به یک اندازه به آن تمایل دارند عبارتند از:

- تأسیس یک سالن آرایش با تابلو و مجوز رسمی
- کارمند یک اداره دولتی
- معلمی در مدرسه
- مهمانداری هواپیما
- اشتغال در یک زمینه هنری

۳. درحالی‌که بیشترین گرایش زنان روستایی به خانه‌داری به‌عنوان یک شغل است بیشترین گرایش زنان شهری به کارمند بودن در یک اداره دولتی مشاهده شده است.

۴. پنج شغلی که در بین زنان روستایی بیشترین گرایش به آن‌ها وجود دارد به ترتیب عبارتند از:

- خانه‌داری
- کارمند یک اداره دولتی
- معلمی در مدرسه
- پرستاری
- منشی‌گری در یک شرکت خصوصی

۵. پنج شغلی که در بین زنان شهری بیشترین گرایش به آن‌ها وجود دارد به ترتیب عبارتند از:

- کارمند یک اداره دولتی
- خانه‌داری و معلمی در مدرسه
- اشتغال در یک زمینه هنری
- پرستاری

۶. مشاغلی که در بین زنان روستایی کمترین گرایش به آن‌ها وجود دارد به ترتیب عبارتند از:

- کار در یک دامپروری دارای ساختمان و وسایل جدید و مدرن
- پرورش دام و طیور به شکل قدیمی در کنار خانه و خانواده
- راه‌اندازی یک کارگاه قالبی بافی با چند زن دیگر و بازاریابی
- کارگری در یک کارخانه صنعتی

۷. مشاغلی که در بین زنان شهری کمترین گرایش به آن‌ها وجود دارد به ترتیب عبارتند از:

- پرورش دام و طیور به شکل قدیمی در کنار خانه و خانواده
- کار در یک دامپروری دارای ساختمان و وسایل جدید و مدرن
- بازاریابی
- راه‌اندازی یک کارگاه قالب بافی با چند زن دیگر
- کارگری در یک کارخانه صنعتی

جدول ۲: مقایسه زنان روستایی و شهری در گرایش به ۲۹ شغل ارائه شده به آنان در سه گروه شغلی و بررسی تفاوت معنادار میانگین‌های رتبه

گروه شغلی	نوع شغل	میانگین حسابی از ۵			میانگین رتبه		آزمون معناداری تفاوت میانگین رتبه (آزمون من-ویتنی)
		کل	شهری	روستایی	شهری	روستایی	
مشاغل سنتی	قالی‌بافی و یا گلیم و زلیبافی در خانه	۱/۸۰	۱/۵۵	۲/۱۲	۸۴۵	۹۸۸	۰/۰۰۰
	خیاطی کردن در خانه	۲/۴۴	۲/۳۴	۲/۵۶	۸۷۸	۹۴۶	۰/۰۰۵
	تولید صنایع دستی در خانه (سیدبافی، خاتم کاری، گل‌سازی و ...)	۲/۲۸	۲/۲۱	۲/۳۸	۸۸۵	۹۳۷	۰/۰۳۰
	تولید گل‌های تزئینی و یا قارچ در خانه و فروش به مغازه‌ها	۲/۲۲	۲/۰۸	۲/۳۹	۸۷۰	۹۵۶	۰/۰۰۰
	آرایش کردن زنان فامیل، دوست و آشنا در خانه بدون درست کردن سالن و زدن تابلو	۲/۱۸	۲/۰۶	۲/۳۵	۸۷۵	۹۵۰	۰/۰۰۲
	کشاوری کردن در کنار افراد خانواده	۲/۱۱	۱/۹۱	۲/۳۶	۸۵۸	۹۷۱	۰/۰۰۰
	باغداری و تولید انواع میوه	۲/۳۱	۲/۰۸	۲/۵۹	۸۴۹	۹۸۳	۰/۰۰۰
	پرورش دام و طیور به شکل قدیمی در کنار خانه و خانواده	۱/۳۷	۱/۰۲	۱/۸۲	۸۲۸	۱۰۱۰	۰/۰۰۰
	خانه‌داری	۳/۵۸	۳/۳۵	۳/۸۸	۸۲۰	۱۰۲۰	۰/۰۰۰
	سفارش گرفتن از مغازه‌ها برای انواع ترشی، مربا، شیرینی یا چیزهای دیگر و درست کردن آن‌ها در خانه	۱/۸۹	۱/۵۹	۲/۲۷	۸۳۴	۱۰۰۲	۰/۰۰۰
مشاغل سنتی در	راه‌اندازی یک کارگاه قالی‌بافی با چند زن دیگر	۱/۶۹	۱/۴۸	۱/۹۵	۸۵۸	۹۷۱	۰/۰۰۰
	خیاطی در یک کارگاه تولید پوشاک	۲/۰۸	۱/۸۶	۲/۳۶	۸۵۰	۹۸۲	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	-۶/۲۲۹	۹۹۱	۸۴۳	۲/۲۱	۱/۶۴	۱/۸۹	کار کردن در یک کارگاه تولید صنایع دستی و یا میل‌سازی	قالبی نوین
۰/۰۰۰	-۶/۵۸۵	۹۹۷	۸۳۸	۲/۶۳	۲/۰۲	۲/۲۹	راه‌اندازی یک آشپزی با چند زن دیگر در بیرون از خانه و سفارش گرفتن از منازل، ادارات و مؤسسات	
۰/۰۰۲	-۳/۰۳۴	۹۴۹	۸۷۶	۲/۵۷	۲/۳۰	۲/۴۲	راه‌اندازی یک گل‌فروشی و اداره کردن آن	
۰/۰۵۲	-۱/۹۴۱	۹۳۴	۸۸۸	۲/۳۷	۲/۱۸	۲/۲۶	تأسیس یک سالن آرایش با تابلو و مجوز رسمی	
۰/۰۰۰	-۴/۹۶۸	۹۷۰	۸۵۹	۱/۶۴	۱/۱۲	۱/۳۵	کار در یک دامپروری دارای ساختمان و وسایل جدید (مدرن)	مشاغل نوین
۰/۰۰۰	-۶/۴۳۸	۹۹۵	۸۳۹	۳/۰۴	۲/۴۷	۲/۷۲	منشی‌گری در یک شرکت خصوصی	
۰/۴۴۶	-۱/۷۶۲	۸۹۸	۹۱۶	۳/۳۵	۳/۴۷	۳/۴۱	کارمند یک اداره دولتی	
۰/۰۰۰	-۶/۴۹۱	۹۹۴	۸۴۰	۲/۰۷	۱/۴۹	۱/۷۵	کارگری در کارخانه‌ای صنعتی	
۰/۰۰۰	-۹/۰۰۹	۱۰۳۱	۸۱۲	۲/۷۶	۱/۹۹	۲/۳۳	کار در کارگاه‌های بسته‌بندی مواد غذایی	
۰/۰۱۹	-۲/۳۴۸	۹۴۰	۸۸۳	۲/۷۷	۲/۵۸	۲/۶۷	اجرای مراسم سنتی و انجام آداب‌ورسوم قدیمی ایرانیان برای توریست‌ها	
۰/۰۰۰	-۴/۱۶۶	۹۶۳	۸۶۴	۲/۴۸	۲/۰۶	۲/۲۴	رانندگی در تاکسی‌سرویس بانوان و یا رانندگی برای مدارس دخترانه	
۰/۴۴۳	-۱/۷۶۸	۸۹۸	۹۱۶	۳/۲۱	۳/۳۵	۳/۲۹	معلمی مدرسه	
۰/۰۰۰	-۵/۳۴۷	۹۸۰	۸۵۱	۳/۱۱	۲/۶۵	۲/۸۵	پرستاری	
۰/۰۰۰	-۶/۸۸۱	۹۹۹	۸۳۶	۲/۱۹	۱/۵۴	۱/۸۲	فروشنده‌گی در مغازه‌های شهر	
۰/۴۸۳	-۱/۷۰۱	۹۱۷	۹۰۱	۲/۵۸	۲/۵۳	۲/۵۵	مهمان‌داری هواپیما	
۰/۰۶۵	-۱/۸۴۶	۸۸۳	۹۲۸	۲/۹۵	۳/۱۳	۳/۰۵	اشتغال در یک زمینه هنری (نقاشی، موسیقی، بازیگری و ...)	
۰/۰۰۰	-۵/۴۱۴	۹۷۹	۸۵۲۹۸۸	۱/۹۵	۱/۴۵	۱/۶۷	بازاریابی (مثلاً یافتن مشتری برای تولیدات کارخانه‌ها و شرکت‌ها و یا برای محصولات کشاورزی)	

- در صورتی که زنان شهری و روستایی را نه بر اساس مشاغل بلکه بر اساس گروه‌های عمده‌ی شغلی مقایسه نماییم تفاوت آنان در گرایش به انواع مشاغل مشخص‌تر خواهد شد. نتایج به‌دست‌آمده در جدول شماره (۳) خلاصه گردیده که مهم‌ترین یافته‌های آن به قرار زیر است:
۱. میانگین‌های نمونه‌ای نشان می‌دهد که در سه گروه شغلی مورد مطالعه گرایش زنان روستایی به اشتغال در مقایسه با گرایش زنان شهری بیشتر است.
 ۲. با این حال بر مبنای تفاوت میانگین‌های نمونه‌ای می‌توان گفت که شدت تفاوت این گرایش‌ها در دو گروه مشاغل سنتی و مشاغل سنتی در قالبی نو بیشتر (۰/۴۵ و ۰/۴۴) و در گروه مشاغل نوین کمتر (۰/۳۱) است.
 ۳. در مجموع تفاوت دیدگاه‌های زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری برای گرایش به مشاغل مختلف بیشتر است. وجود مقادیر بیشتر انحراف معیار برای هر سه گروه شغلی در میان زنان روستایی مؤید همین نکته است.
 ۴. پژوهشگر به منظور اینکه مشخص کند که آیا از آزمون T برای دو نمونه مستقل با فرض برابری واریانس‌ها یا با فرض نابرابری واریانس‌ها استفاده کند ابتدا از آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها بهره برده است. با توجه به اینکه در هر سه آزمون این واریانس‌ها در جامعه آماری نابرابر برآورد شده است ($Sig < 0/05$) از آزمون T با فرض نابرابری واریانس‌ها در میان دو نمونه مستقل استفاده شده است.
 ۵. نتایج آزمون T نشان می‌دهد که نه تنها در نمونه آماری بلکه در جامعه آماری مورد مطالعه با اطمینان حداقل ۹۵٪ برآورد می‌شود که شدت گرایش زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری برای اشتغال در هر سه گروه شغلی بالاتر است. از همین رو، تفاوت معناداری گرایش زنان شهری و روستایی به انواع مشاغل در هر سه فرضیه پژوهش حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرد. البته برخلاف انتظار این تفاوت معناداری نه به سمت تمایل بیشتر زنان شهری به شاغل شدن در انواع مشاغل بلکه به معنای تمایل بیشتر زنان روستایی بوده است.

جدول ۳: مقایسه گرایش به سه گروه شغلی مورد مطالعه در بین زنان شهری و روستایی

گروه شغلی	نمونه مورد مطالعه	آماره‌های توصیفی		تفاوت دو میانگین نمونه‌ای	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		آزمون T برای تفاوت میانگین‌های دو نمونه مستقل	
		میانگین نمونه‌ای	انحراف معیار نمونه‌ای		F	Sig	T	Sig
مشاغل سنتی	زنان شهری	۲/۰۲	۰/۹۵	۰/۴۵	۴/۱۱	۰/۰۴۳	۹/۷۲۲	۰/۰۰۰
	زنان روستایی	۲/۴۷	۱/۰۲					
مشاغل سنتی در فرم نوین	زنان شهری	۱/۸۰	۱/۰۸	۰/۴۴	۲۰/۶۸	۰/۰۰۰	۸/۰۹۸	۰/۰۰۰
	زنان روستایی	۲/۲۵	۱/۲۲					
مشاغل نوین	زنان شهری	۲/۳۹	۰/۹۴	۰/۳۱	۸/۱۸	۰/۰۰۴	۶/۵۵۸	۰/۰۰۰
	زنان روستایی	۲/۷۱	۱/۰۶					

به‌منظور محاسبه متغیر گرایش به تنوع شغلی، به هر پاسخگو در ازای پاسخ‌های بسیار زیاد، زیاد یا تا حدی یک امتیاز و به ازای پاسخ‌های کم، خیلی کم یا اصلاً صفر امتیاز داده شده است. منطق چنین نحوه امتیازدهی آن است که در مجموع انتخاب سه گزینه اول نشان می‌دهد که پاسخگو کم‌وبیش به آن شغل گرایش دارد درحالی‌که انتخاب یکی از سه گزینه دوم حاکی از عدم گرایش به آن شغل است.

بر مبنای مقادیر ارائه شده در جدول شماره (۴) نتایج زیر حاصل می‌شود:

- در میان ۲۹ نوع شغل ارائه شده به پاسخگویان زنان روستایی تقریباً به ۱۶ نوع شغل و زنان شهری به ۱۳ نوع شغل تمایل نشان داده‌اند.
- در میان ۱۰ نوع شغل سنتی ارائه شده به پاسخگویان زنان روستایی تقریباً به ۵ نوع و زنان شهری به ۴ نوع شغل تمایل نشان داده‌اند.
- در بین ۷ نوع شغل سنتی در فرم نوین هر دو گروه زنان روستایی و شهری تقریباً به ۳ نوع شغل تمایل نشان داده‌اند هر چند شدت این تمایل در میان زنان روستایی به‌طور معناداری بیشتر است.

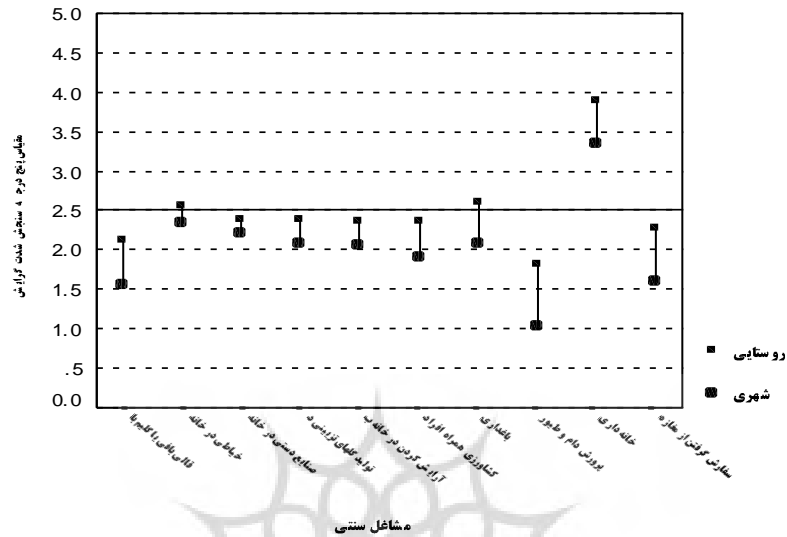
۴. در بین ۱۲ نوع شغل نوین نیز زنان روستایی تقریباً به ۷ نوع شغل و زنان شهری به ۶ نوع شغل تمایل نشان داده‌اند.

۵. در کلیه گروه‌های شغلی در مجموع زنان روستایی به مشاغل متنوع‌تری تمایل نشان داده‌اند و با توجه به معنادار بودن تفاوت میانگین‌های به‌دست‌آمده ($Sig < 0/05$) برای کلیه مقایسه‌های انجام شده این انتظار وجود دارد که در جامعه آماری مورد مطالعه نیز با اطمینان حداقل ۹۵٪ تمایل به مشاغل متنوع‌تر در بین زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری وجود دارد.

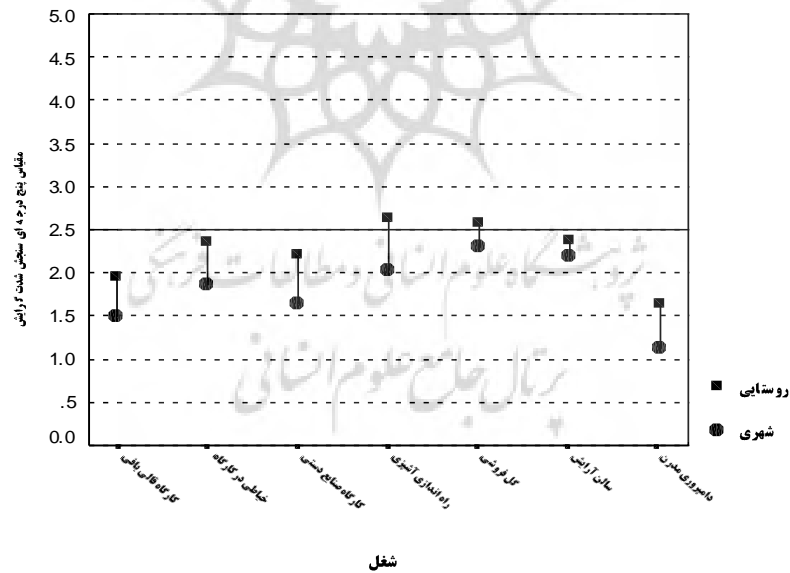
جدول ۴: مقایسه گرایش به انواع مشاغل بین زنان شهری و روستایی

آزمون T برای تفاوت میانگین‌های دو نمونه مستقل		آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		تفاوت دو میانگین نمونه‌ای	آماره‌های توصیفی		نمونه مورد مطالعه	تنوع شغلی در گروه‌های شغلی مختلف شغلی و مقیاس آن
Sig	T	Sig	F		انحراف معیار نمونه‌ای	میانگین نمونه‌ای		
۰/۰۰۰	۸/۸۴۲	۰/۰۰۲	۱۰/۰۶۹	۲/۴۳	۵/۵۱	۱۳/۴۴	زنان شهری	در مجموع ۰-۲۹
					۶/۰۴	۱۵/۸۷	زنان روستایی	
۰/۰۰۰	۸/۴۶۷	۰/۴۸۹	۰/۴۸۰	۰/۹۵	۲/۳۴	۴/۴۶	زنان شهری	مشاغل سنتی ۰-۱۰
					۲/۴۲	۵/۴۲	زنان روستایی	
۰/۰۰۰	۷/۷۷۹	۰/۰۰۰	۱۲/۸۹۳	۰/۷۲	۱/۸۶	۲/۷۳	زنان شهری	مشاغل سنتی در قالبی نو ۰-۷
					۲/۰۲	۳/۴۴	زنان روستایی	
۰/۰۰۰	۵/۴۰۰	۰/۰۰۰	۲۰/۲۹۴	۰/۷۶	۲/۷۱	۶/۲۵	زنان شهری	مشاغل نوین ۰-۱۲
					۳/۱۶	۷/۰۱	زنان روستایی	

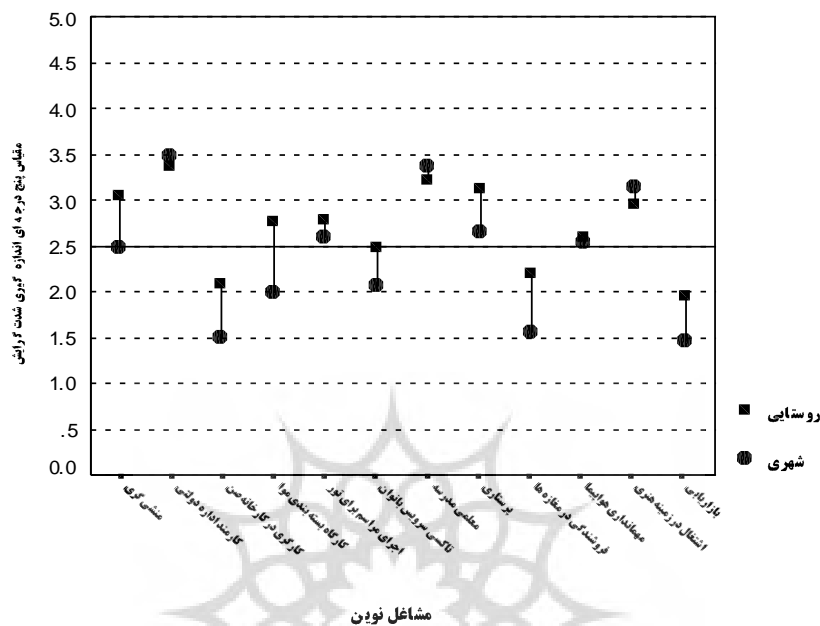
با توجه به نتایج به‌دست‌آمده روی هم‌رفته می‌توان گفت که زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری تمایل بیشتری به کار کردن در انواع مختلف مشاغل داشته‌اند. این تمایل بیشتر زنان روستایی تنها منحصر به مشاغل سنتی نبوده و مشاغل سنتی در قالبی نوین و مشاغل نوین را نیز شامل می‌شود. در نمودارهای زیر تفاوت موجود میان میزان تمایل زنان روستایی و شهری نسبت به انواع مشاغل را به‌خوبی می‌توان ملاحظه نمود.



نمودار ۱: مقایسه نگرش زنان روستایی و شهری در خصوص اشتغال در مشاغل سنتی



نمودار ۲: مقایسه نگرش زنان روستایی و شهری در خصوص اشتغال در مشاغل سنتی در قالبی نو



نمودار ۳: مقایسه نگرش زنان روستایی و شهری در خصوص اشتغال در مشاغل نوین

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری، در کل تمایل بیشتری به شاغل شدن دارند (جدول ۳). از میان ۲۹ شغل در نظر گرفته شده برای زنان، زنان روستایی در ۲۴ مورد آن به طور معناداری تمایل بیشتری به شاغل شدن از خود نشان دادند (جدول ۲). این تمایل بیشتر زنان روستایی نه تنها در مقایسه موردی مشاغل بلکه در مقایسه گروه های شغلی نیز بود؛ یعنی زنان روستایی نه تنها در مشاغل سنتی، بلکه در مشاغل سنتی در فرم نوین و مشاغل نوین نیز تمایل بیشتری به شاغل شدن داشتند (جدول ۴). البته بر اساس یافته های تحقیق شدت این تفاوت در خصوص مشاغل نوین بسیار کمتر بود. از میان ۲۹ شغل در نظر گرفته شده، در ۵ مورد آن ها تفاوت معناداری میان زنان روستایی و شهری ملاحظه نشد که همگی آن ها در گروه مشاغل نوین دسته بندی می شوند (جدول ۲). بر این اساس می توان

نتیجه گرفت که شهری شدن و تجربه سطوح بالاتری از توسعه اقتصادی - اجتماعی بیش از آنکه باعث شود زنان شهری در مقایسه با زنان روستایی تمایل بیشتر و یا یکسانی در خصوص شاغل شدن در مشاغل نوین داشته باشند موجب شده که زنان شهری تمایل کمتری به شاغل زدن در مشاغل سنتی و سنتی در فرم نوین داشته باشند. در واقع اثر مدرنیزاسیون بیش از آنکه ایجابی و در جهت تمایل بیشتر به شاغل شدن بوده، به صورت سلبی و به صورت فاصله‌گیری ذهنی زنان از مشاغل سنتی و مشاغل مشابه بوده است. شرایط حاکم بر زندگی شهری و محیط کار در ایران می‌تواند جزو مواردی باشد که اثری خنثی‌کننده بر تأثیر شهری شدن دارد. در ادامه با تحلیل بیشتر نتایج به این موضوع پرداخته می‌شود.

از جمله یافته‌های قابل توجه در پژوهش حاضر آن است که به جز در مورد «منشی‌گری در یک شرکت خصوصی» برای زنان روستایی و مورد «اشتغال در یک زمینه هنری» برای زنان شهری، هر ۴ شغل محبوب از میان ۵ شغلی که زنان بیشتری گرایش را به آن‌ها داشتند برای زنان روستایی و شهری یکسان بود (جدول ۲). این چهار شغل عبارت بودند از: خانه‌داری، معلمی، کارمندی دولت، پرستاری؛ نکته جالب دیگر آنکه به جز مورد «بازاریابی» که تنها برای زنان شهری جزو ۵ شغلی بود که کمترین گرایش را به آن داشتند، ۵ شغلی که زنان روستایی و شهری کمترین تمایل را به شاغل شدن در آن‌ها داشتند - بدون توجه به ترتیب آن‌ها - یکسان بود (جدول ۲): پرورش دام و طیور به شکل قدیمی در کنار خانه و خانواده، کار در یک دامپروری دارای ساختمان و وسایل جدید و مدرن، راه‌اندازی یک کارگاه قالب بافی با چند زن دیگر، کارگری در یک کارخانه صنعتی.

چنین یافته‌هایی که نشان می‌دهد زنان شهری و روستایی با الگویی نسبتاً مشابه نسبت به مشاغل مختلف از خود تمایل نشان می‌دهند، این مسئله مدعای برخی صاحب‌نظران و پژوهشگران را تأیید می‌کند که تحت تأثیر فراگیر شدن و توسعه بازار سرمایه‌داری، گسترش وسایل ارتباط جمعی و افزایش مراودات فرهنگی میان شهر و روستا، آن شکاف ذهنی و فرهنگی میان شهر و روستا نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شده است (کومار، ۱۳۸۱؛ هال، ۱۹۹۸؛ بنتلی، ۱۹۹۹). خود همین یافته نشان می‌دهد که طبق نظریه مدرنیزاسیون اگر شهری شدن می‌تواند به تمایزبایی میان شهرنشینان و روستانشینان دامن بزند، جنبه دیگر مدرنیزاسیون یعنی

گسترش ارتباطات می‌تواند عاملی تمایز زدا باشد و از برخی تأثیرات شهری شدن بر تعمیق شکاف و تمایز میان شهر و روستا بکاهد.

همان‌گونه که پیشرفت و مدرنیزاسیون اقتصادی - اجتماعی می‌تواند به تحول فرهنگی بیانجامد (Inglehart, 2018 & 1997; Inglehart & Baker, 2001; Inglehart & Welzel, 2005)، شرایط بد اقتصادی نیز می‌تواند گاهی موجب به حاشیه رفتن ارزش‌های سنتی و نادیده گرفتن آن‌ها شود. این مسئله در خصوص تمایل زنان روستایی و شهری به شاغل شدن در انواع مشاغل نیز صدق می‌کند. علاوه بر تحقیقات خارجی (Durrani, 1979: 58) در پژوهش‌های داخلی نیز (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴؛ دادورخانی، ۱۳۸۵)؛ ملاحظه می‌شود که فقر می‌تواند موجب کنار گذاردن ارزش‌ها و باورهای سنتی در روستاها شود و زنان را در مشاغلی مانند کشاورزی همپای مردان به محیط شغلی بیرون خانه بیاورد. در واقع هنوز تمایل زنان به خانه‌داری و عدم اشتغال به کار برای نان‌آوری و به عهده گرفتن نیمی از مسؤولیت اقتصادی خانواده است. این تمایل در زنان شهری نیز به مانند زنان روستایی در سطح بالایی قرار دارد. داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که زنان روستایی بیشترین تمایل را در میان تمام مشاغل به خانه‌داری دارند و زنان شهری نیز دومین ترجیح شغلی‌شان خانه‌داری است (جدول ۲). در کل خانه‌داری، معلمی و کارمندی دولت سه شغلی هستند که زنان روستایی و شهری بیشترین گرایش را به شاغل شدن در آن‌ها دارند (جدول ۲) عوامل مؤثر بر این سطح از اقبال به چنین مشاغلی می‌تواند نزدیک بودن آن‌ها به نقش سنتی زن به‌عنوان مادر و تعلیم‌دهنده (خانه‌داری و معلمی) و یا برخورداری از محیطی امن‌تر و برخورداری از ثبات شغلی (معلمی و کارمندی دولت) در مقایسه با سایر مشاغل دانست. در ایران محیط‌های کارمندی دولتی روی هم‌رفته محیط‌هایی امن به شمار می‌آیند (صبوری، ۱۳۸۹).

طبق دیدگاه تانکیس (۱۳۸۸) شاید شهر بتواند در رابطه با نحوه ظهور زن در جامعه، ارتقای موقعیت اجتماعی و رهایی از نقش‌های سنتی نقشی رهایی‌بخش ایفا کند ولی تحت شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی ممکن است شهر به سرکوب بیشتر و یا به خانه‌نشینی زن منجر شود. به لحاظ تاریخی در ایران و در کشورهای اسلامی خاورمیانه زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری همواره حضور پررنگ‌تری در محیط بیرون خانه و محیط کار داشته‌اند (ربیعی، ۱۳۸۵).

جدا از ارزش‌های سنتی و درک موجود از نقش‌های زنانه، یکی از متغیرهای اصلی اثرگذار بر عدم حضور زنان در بیرون خانه برای کسب‌وکار عامل امنیت بوده است. در شرایط فعلی سطح بالای غریبگی در شهر و بالا بودن سطح ناامنی در محیط کار و نیز در فضای شهری به‌ویژه در کلان‌شهرها می‌تواند روی میزان تمایل زنان به شاغل شدن اثرگذار باشد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد در شهرها خشونت و ناامنی به شکل‌های مختلف آنچه در فضاهای شهری (محسنی و همکاران، ۱۳۹۵؛ احمدی و حیدری، ۱۳۹۳)؛ و چه در محیط‌های شغلی (صادقی فسایی و لاریجانی، ۱۳۹۲) در سطح بالایی قرار دارد و به احساس ناامنی زنان منجر می‌شود. در این میان خشونت و جرائم جنسی را نیز می‌بایست لحاظ کرد که زنان را نیز هدف قرار داده و محیط اجتماعی و شغلی را برای آنان ناایمن می‌کند (علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۴؛ مدنی قهفرخی، ۱۳۸۶؛ سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). در چنین شرایطی حتی اگر تغییرات ارزشی ناشی از مدرنیزاسیون اقتصادی - اجتماعی زنان را به سمت اشتغال و کسب درآمد سوق دهد، محیط ناامن برای زنان می‌تواند از تمایل آنان به شاغل شدن بکاهد. در چنین فضایی برخی زنان در صورت تأمین اقتصادی و نداشتن مشکلات خانوادگی ترجیح می‌دهند در خانه بمانند و از امکانات اقتصاد خانواده برای تفریح، خرید، ورزش و گذران اوقات فراغت استفاده نمایند. چیزی که به‌سادگی برای زنان طبقات پایین جامعه به دست نمی‌آید. در یک ارزیابی کلی می‌توان چنین گفت که نتایج تحقیق حاضر مقابل نظریه کلاسیک مدرنیزاسیون است که رابطه‌ای خطی میان توسعه اقتصادی - اجتماعی و تحول در ارزش‌ها از جمله ارزش‌ها و نگرش‌های زنان می‌بیند. ولی موافق نظریه‌های نسل سوم مدرنیزاسیون، یافته‌ها نشان می‌دهد که تحت شرایط ویژه اقتصادی - اجتماعی ممکن است زنان نتوانند با وجود همه روندهای مدرنیزاسیون که در جامعه تحقق یافته به حقوق اجتماعی خویش و جایگاه مناسب دست یابند. از همین رو، بهتر است به‌جای مدرنیزاسیون اقتصادی - اجتماعی، از دریچه توسعه اجتماعی به تحولات جامعه نگرست چراکه در این مفهوم در فرآیند توسعه توجه ویژه‌ای جامعه می‌شود.

منابع

- احمدی، سیروس و حیدری، آرمان. (۱۳۹۳). «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در احساس ناامنی»، پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، ۳۱-۴۴.
- اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۵). بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان استان اصفهان. رساله دکتری، اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- بنی‌فاطمه، حسین (۱۳۷۵). مشکلات زنان ایران و تجربه تعاونی زنان چینی در آفرینش اشتغال زنان، مجموعه مقالات همایش ملی تعاون.
- تانکیس، فرن. (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه‌ی اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- تونس، فردیناند. (۱۳۸۱). «گمیشافت و گزلفافت». در مدرنیته: مفاهیم انتقادی جامعه سنتی و جامعه مدرن، ویراسته مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات نقش جهان.
- جلایی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۸۵). «چهار ارزیابی جامعه‌شناختی از موقعیت زنان ۸۴-۱۳۷۶»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۲۱، ۳۹-۷۲.
- حسینی، زهرا. (۱۳۸۰). ضرورت‌ها و محدودیت‌های اشتغال زنان، رودهن: همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال.
- دادورخانی، فضیله. (۱۳۸۵). «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵، ۱۸۸-۱۷۱.
- راوودراد، اعظم. (۱۳۸۰). «تغییرات نقش زنان در جامعه و تلویزیون»، پژوهش زنان، دوره اول، ۱۳۳-۱۵۶.
- راهب، غزال. (۱۳۸۴). «درنگی در مفهوم روستا». مجله محیط‌شناسی، شماره ۴۱، ۱۱۶-۱۰۵.
- ربیعی، کامران. (۱۳۸۵). ورود زنان به عرصه‌ی عمومی در فرآیند تاریخ اجتماعی/ایران، همایش بین‌المللی نقش زنان در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، اصفهان: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه اصفهان.
- ربیعی، کامران. (۱۳۹۴). مدنیزاسیون و جهان‌ایرانی، پژوهشکده مطالعات اسلامی اصفهان.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۴). «گسترش نقش زنان در جهت حمایت‌های شغلی - خانوادگی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، ۱۶۵-۱۲۶.
- رضوی‌زاده، نورالدین. (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر رسانه بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۳۱، ۱۱۴-۱۱۱.
- زیمل، گئورگ. (۱۳۷۲). کلان‌شهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف ابادری، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره سوم (۶)، دانشگاه تهران.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
- سراج‌زاده، سید حسین، جواهری، فاطمه و رحمتی، الهام. (۱۳۹۴). «پوشش زنان و احساس امنیت در فضاهای عمومی». *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۹، شماره ۲، ۱۵۹-۱۳۵.
- شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۱). *توسعه و چالش‌های زنان ایران*. تهران: نشر قطره.
- صادقی فسایی، سهیلا و لاریجانی، مهسا. (۱۳۹۲). «آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی». *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲، ۱۱۱-۸۷.
- صبوری، رباب. (۱۳۸۹). *بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در محیط کاری سازمان‌ها و ادارات دولتی شهر تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). «زنان و نهادهای مدنی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲، ۹۹-۶۳.
- علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم. (۱۳۸۴). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۱-۱۰۹.
- غلامی، منیر. (۱۳۸۰). *موانع اشتغال رسمی زنان*، رودهن: همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال.
- فوران، جان. (۱۳۸۰). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، چاپ سوم، تهران: خدمات فرهنگی.
- قیداری سجاسی، حمدالله و صادقلو، طاهره و شهدادی، علی. (۱۳۹۴). «اثرات جهانی‌شدن بر تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره هفتم، شماره ۴، ۱۸۸-۱۵۳.
- کار، مهر انگیز. (۱۳۸۰). *مشارکت سیاسی زنان: موانع و امکانات*، چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کاستللو، وینسنت فرانسیس. (۱۳۸۳). *شهرنشینی در خاورمیانه*، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- کدی، نیکی آر. (۱۳۸۳). *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- کومار، کریشان. (۱۳۸۱). «مدرنیزاسیون و صنعتی شدن»، آمده در *مدرنیته: مفاهیم انتقادی جامعه سنتی و جامعه مدرن*. ویراسته مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات نقش جهان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، با همکاری کارن بردسال، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و جهانگیری، جهانگیر و خواجه‌نوری، بیژن. (۱۳۸۴). «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی: مطالعه‌ی موردی استان فارس»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۳، ۱۴۵-۱۲۴.
- مارکس، کارل و فردریک، انگلس. (۱۳۸۰). *مانیفست کمونیست*، آمده در *مانیفست*، پس از ۱۵۰ سال. ویراسته لئو پانیچ و کالین لیز، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.
- محسنی، رضاعلی؛ میکائیلی، جعفر و طالبپور، اکبر. (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری - مورد مطالعه شهر تهران»، *دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال پنجم، شماره ۹، ۱۵۴-۱۲۵.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۱). *جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان ایرانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۶). *ارزیابی سریع وضعیت تن‌فروشی در شهر تهران با تأکید بر رفتارهای پرخطر مرتبط با/ایدز*، وزارت بهداشت و درمان، دفتر جمعیت سازمان ملل متحد در ایران.
- مهدوی، محمدصادق. (۱۳۸۱). *بررسی موانع و مشکلات اشتغال زنان در بخش‌های دولتی*، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- هاشمی، سید علی. (۱۳۸۱). «اشتغال زنان و هزینه‌های آن از دیدگاه بنگاه اقتصادی»، *پژوهش زنان*، دوره ۱ شماره ۴، ۱۳۷-۱۱۲.
- Afzal, A., Ali, T., Ahmad, M., Zafar, M. I., Niazi, S. K., & Riaz, F. (2009). "Identification of factors hampering women empowerment in agricultural decision making and extension work in district Okara, Punjab, Pakistan", *Pakistan Journal of Agricultural Science*, 46(1), 64-68.
- Ahmad, A. (1998). *Country briefing paper: Women in Malaysia*, Asian Development Bank.
- Bentley, I. (2004). *Urban transformations: Power, people and urban design*, Routledge.
- Bergmann, B. R. (1971). "The effect on white incomes of discrimination in employment", *Journal of Political Economy*, 79(2), 294-313.
- Blau, F. D. (1997). *Trends in the well-being of American women, 1970-1995*(No. w6206), National Bureau of Economic Research.
- Cavalcanti, T. V., & Tavares, J. (2011). "Women prefer larger governments: Growth, structural transformation, and government size", *Economic Inquiry*, 49(1), 155-171.
- Durrani, L. H. (1976). "Employment of women and social change", *Change in Tunisia: Studies in the social sciences*, 57-72.
- Eisenstadt, S. N. (2001). "The civilizational dimension of modernity: Modernity as a distinct civilization", *International sociology*, 16(3), 320-340.
- Eisenstadt, S. N. (Ed.), (2017). *Multiple modernities*, Routledge.

- Entwisle, B., Henderson, G. E., Short, S. E., Bouma, J., & Fengying, Z. (1995). "Gender and family businesses in rural China", *American Sociological Review*, 36-57.
- Goldenberg, S. (1997). *Thinking sociologically*, Oxford University Press, USA.
- Hall, T. (1998). *Urban Geography*, Routledge Contemporary Human Geography, Routledge.
- Harvey, D. (1985). *Consciousness and the urban experience: Studies in the history and theory of capitalist urbanization* (Vol. 1). Johns Hopkins University Press.
- He, C. (2003). *Orient Renaissance: Three Roads to the Modernization*. Beijing: commercial press.
- Inglehart, R. (1997). *Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies*, Princeton university press.
- Inglehart, R. (2018). *Culture shift in advanced industrial society*, Princeton University Press.
- Inglehart, R., & Baker, W. E. (2001). "Modernization's challenge to traditional values: Who's afraid of Ronald McDonald?", *The Futurist*, 35(2), 16.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge University Press.
- Krause, N., & Markides, K. S. (1985). "Employment and psychological well-being in Mexican American women", *Journal of Health and Social behavior*, 15-26.
- Palmer, G. L. (1957). "Attitudes toward work in an industrial community", *American Journal of Sociology*, 63(1), 17-26.
- Pile, S. (1999). *What is a City*. In Massey, D. B., Allen, J., & Pile, S. (Eds.). (1999) *City worlds*, Psychology Press, 3-52.
- Vendrik, M. C. (1997). *Bandwagon and habit effects on female labor force participation*, METEOR, Maastricht research school of Economics of Technology and Organizations.
- Wagner, D. G., Ford, R. S., & Ford, T. W. (1986). "Can gender inequalities be reduced?", *American Sociological Review*, 47-61.
- Wirth, L. (1938). "Urbanism as a Way of Life", *American journal of sociology*, 44(1), 1-24.
- Zaretsky, E. (1986). "Capitalism, the family, and personal life", *Harpercollins*.